

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده زبان‌های خارجی

گروه زبان‌شناسی

پایان‌نامه دکتری رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

بررسی دستوری و رده‌شناختی نمایه‌سازی مفعول در زبان فارسی

استاد راهنما:

دکتر والی رضایی

استاد مشاور:

دکتر عادل رفیعی

پژوهشگر:

فاطمه بهرامی

بهمن ماه ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به
دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده زبان‌های خارجی

گروه زبانشناسی

پایان‌نامه دکتری رشته‌ی زبانشناسی همگانی خانم فاطمه بهرامی
تحت عنوان

بررسی دستوری و رده‌شناختی نمایه‌سازی مفعول در زبان فارسی

در تاریخ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه به تصویب نهایی رسید.

| | | |
|-------|-----------------|----------------------------------|
| امضاء | با مرتبه‌ی علمی | ۱- استاد راهنمای پایان‌نامه دکتر |
| امضاء | با مرتبه‌ی علمی | ۲-استاد مشاور پایان‌نامه دکتر |
| امضاء | با مرتبه‌ی علمی | ۳- استاد داور داخل گروه دکتر |
| امضاء | با مرتبه‌ی علمی | ۴- استاد داور داخل گروه دکتر |
| امضاء | با مرتبه‌ی علمی | ۵- استاد داور خارج از گروه دکتر |

امضاء مدیر گروه

پاسکزاری

پاس بی‌متناپروردگار مهربان را که مراد فضیلت علم اندوزی، آگاه و به توفیق دانش‌آموزی مفتخر گردانید. پاس او را که معانی نصیحت ساخت، تا دسیاه برابر وجودشان طریق دانشجویی یا موزم.

و نیز

ولدار آموزه‌های بس کراتقدر استاد رهنمای فرزاد، آقای دکتر رضایی، هستم، او که صبورانه جلم را جامه دانش پوشاند و همواره انگیزه بخش ادامه راه بود. او که در مکتبش درس علم و اخلاق آموختم و دانستم قدر انسان به حسن رفتار و کسب معرفت است.

مدیون الطاف استاد مشاور، جناب آقای دکتر رفیعی، هستم، او که رهنمایی‌های ارزنده‌اش راه دشوار را هموار نموده و نوید بخش ره بردن به سر منزل مقصود بود.

پاس گزار استاید کرانید جناب آقای دکتر اسحاق منند، سرکار خانم دکتر علی‌نژاد و سرکار خانم دکتر متولیان، هستم که با داوری پایان نامه بی‌تردید سهم گرانی در غنای این اثر دارند.

پاس خالصانه حضور تمامی بزرگوارانی که در محضر آنان به شاگردی نشستم.

و

پاس آخرین نه کمترین تقدیم آنان که کریمانه از غفلت باوکاستی بایم گذشتند و مهربانانه بجناب ایشان شرم نمودند.

تقدیم بہ

ہمراہ مہربان،

شاہرخ

تک گل باغ زندگی،

نیلووفر

چکیده

نمایه‌سازی مفعول اشاره به پدیده‌ای دارد که همزمان با حضور گروه اسمی آشکار مفعول در بند، نمایه‌ای هم‌مرجع با آن بر روی فعل قرار می‌گیرد. اختیاری بودن این ساخت دستوری در زبان فارسی نشان از این واقعیت دارد که عوامل کاربردشناختی در نمایه‌سازی مفعول تأثیرگذارند. مطالعه حاضر به بررسی نقش سلسله‌مراتب رده‌شناختی در نمایه‌سازی مفعول در زبان فارسی می‌پردازد. پس از ارزیابی شواهد زبان فارسی در چارچوب هر یک از سلسله‌مراتب، به تبیین این پدیده دستوری در زبان فارسی خواهیم پرداخت، به نحوی که همه موارد نمایه‌سازی مفعول مستقیم در این زبان را توجیه نماید. به طور کلی اهداف کلی این پژوهش عبارتند از بررسی عوامل تأثیرگذار بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی که در قالب سلسله‌مراتب رده‌شناختی در سایر زبان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین آشکار ساختن ماهیت دستوری عناصر نمایه مفعولی به عنوان واژه‌بست یا نشان مطابقت از اهداف این تحقیق است و به دنبال آن ساخت‌های دارای نمایه مفعولی در چارچوب دستور نقش و ارجاع تحلیل می‌گردد.

این واقعیت که به نظر می‌رسد نمایه‌ها قادرند، ظرفیت فعل را ارضا کنند باعث می‌شود که به عنوان موضوع فعل تلقی شوند. این رویکردی است که در سنت زایشی مطرح گردید. در این دیدگاه، نمایه‌ها به‌عنوان هسته‌های ضمیری تلقی شده که در جایگاه موضوع تولید می‌شوند و به دلیل ماهیت آوایی ضعیف خود به سمت فعل حرکت کرده و به آن متصل می‌شوند و از خود ردی به جا می‌گذارند که مانع از اشغال این جایگاه نحوی توسط یک عبارت هم‌مرجع با آن‌ها می‌شود. چنین تحلیلی در مورد زبان‌هایی کارآمد است که نمایه‌ها و عبارات واژگانی هم‌مرجع درون یک بند در توزیع تکمیلی باشند. این در حالی است که در زبان فارسی امکان حضور همزمان هر دو عنصر وجود دارد. با عنایت به کاستی‌های نگرش صرفاً صوری دستور زایشی هدف این پژوهش بررسی ساخت‌های دارای نمایه مفعولی در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش و ارجاع است. دستور نقش و ارجاع یک نظریه نقشی - ساختاری است. یکی از ویژگی‌های مهم این نگرش این است که صورت‌های صرفی - نحوی نمی‌توانند بدون رجوع به کاربردشان در بافت خاص مورد تحلیل قرار گیرند. هدف دستور نقش و ارجاع کشف جنبه‌هایی از ساخت بند است که در همه زبان‌های بشری یافت می‌شود و به این ترتیب نمود ثابتی برای ساخت‌های مشابه فراهم می‌آورد، بدون آن که مقولات خاص یک زبان را بر زبان‌های دیگر تحمیل نماید.

این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از شیوه تحلیل محتوا صورت می‌پذیرد و در آن فارسی معیار گونه محاوره‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بدین منظور شواهد زبانی مشتمل بر ۶۲۰ مورد نمایه‌سازی مفعول از بیش از ۱۰۰ برنامه تلویزیونی و متن برخی سخنرانی‌ها و مکالمات از گونه گفتاری فارسی معیار جمع‌آوری و بررسی گردید.

بسامد بالای مفعول‌های نمایه‌ای معرفه و مبتدایی نقش مسلم سلسله‌مراتب معرفگی و مبتدایی را تأیید می‌نماید. تحلیل اندک موارد نمایه‌سازی مفعول‌های کانونی و نکره نشان می‌دهد که همه موارد نمایه‌سازی مفعول اعم از مبتدایی یا کانونی و معرفه یا نکره الزاماً دارای مصداق تشخیص‌پذیرند.

نتیجه جالب توجه دیگر آن است که علی‌رغم نقش مسلم تشخیص‌پذیری در نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی در مواردی که مصداق مفعول تشخیص‌ناپذیر باشد، در صورت جان‌دار بودن گروه اسمی احتمال نمایه‌سازی افزایش می‌یابد. گرچه این ادعا با هیچ‌کدام از ۶۲۰ مورد داده‌های این پژوهش تأیید نمی‌شود، اما ارزیابی برخی داده‌های

آزمایشی با شم زبانی سخن‌گویان بومی به اثبات آن کمک می‌کند. نکته دیگر آن که تمامی موارد نمایه‌سازی مفعول مستقیم با «را» همراه هستند. طبیعی خواهد بود که این هم‌آیی، احتمال وجود نقش یکسان برای «را» و نمایه‌سازی مفعول یا ارتباط احتمالی میان نقش «را» و نمایه‌سازی را تقویت نماید.

بررسی شواهد زبان فارسی نشان می‌دهد که حالت‌نمایی با «را» و نمایه‌سازی مفعول نقش کلامی یکسانی ندارند، اما با هم در تعاملند. بدین مفهوم که هر دو نوع رمزگذاری به نحوی نشان‌دار شدن مفعول را از نظر رده‌شناسی بیان می‌کنند که الزاماً با معرفگی مرتبط نیست. نمایه‌سازی بر ویژگی تشخیص‌پذیری گروه اسمی مفعول مستقیم صحنه می‌گذارد و نشان‌داری با «را» از میزان توجه‌گوینده نسبت به آن و مراتب بالای ارجاع حکایت دارد و از آن‌جا که همه گروه‌های اسمی مفعولی نمایه‌شده همواره با «را» همراه هستند، چنین استنباط می‌شود که برخورداری از میزان بالای ارجاع پیش‌شرط اساسی در تشخیص‌پذیری مصداق است.

یکی از الزامات تعیین ساخت لایه‌ای بند، تعیین ماهیت دستوری عناصر نمایه‌ای به عنوان ضمیر واژه‌بستی یا نشان مطابقت است. رفتار نحوی این عناصر نشان می‌دهد که آن‌ها به نشان مطابقت تبدیل نشده‌اند، گرچه برخی از ویژگی‌های آن‌ها را نشان می‌دهند. بنابراین در بازنمایی ساخت لایه‌ای این بندها نمایه‌های مفعولی در گره نمایه و خارج از گره مطابقت واقع می‌شوند. در صورت عدم حضور گروه اسمی مفعول آشکار، نمایه مفعولی عهده‌دار فرانش اترپذیر در بند است.

بررسی جایگاه نحوی مفعول مستقیم نشان می‌دهد که همپوشانی بسیاری میان جایگاه نحوی مفعول مبتدایی و کانونی در فارسی وجود دارد، ما جایگاه پس از کرکز تنها به مفعول‌های مبتدایی اختصاص دارد. زبان فارسی به دسته زبان‌های منعطف از نظر ترتیب واژه‌ها و ساخت اطلاع تعلق داشته و بنابراین توجه به بافت گفتمان در تعیین روابط کاربردشناختی مفعول در بند بسیار حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: نمایه‌سازی مفعول، سلسله‌مراتب رده‌شناختی، معرفگی، ساخت اطلاع، تشخیص‌پذیری، دستور نقش و ارجاع

فهرست مطالب

| عنوان | صفحه |
|-----------------------------|------|
| فصل اول: مقدمه | |
| ۱-۱ معرفی موضوع پژوهش..... | ۱ |
| ۲-۱ اهداف پژوهش..... | ۴ |
| ۳-۱ روش شناسی..... | ۵ |
| ۴-۱ اهمیت و ارزش پژوهش..... | ۶ |
| ۴-۱ سؤالات پژوهش..... | ۶ |
| ۵-۱ فرضیات پژوهش..... | ۷ |
| ۶-۱ ساختار پایان نامه..... | ۷ |
| ۷-۱ خلاصه..... | ۸ |

فصل دوم: پیشینه تحقیق

| | |
|--|----|
| ۱-۲ مقدمه..... | ۹ |
| ۲-۲ مطالعات خارجی در مورد نمایه‌سازی مفعول..... | ۱۱ |
| ۱-۲-۲ مطالعات غیر پیکره‌ای در رابطه با عوامل مؤثر بر نمایه‌سازی مفعول..... | ۱۱ |
| ۲-۲-۲ مطالعات پیکره - بنیاد در رابطه با عوامل مؤثر بر نمایه‌سازی مفعول..... | ۱۷ |
| ۳-۲-۲ ساخت نحوی بندهای دارای نمایه‌ی مفعولی از دیدگاه دستور زایشی..... | ۱۹ |
| ۴-۲-۲ ساخت نحوی بندهای دارای نمایه‌ی مفعولی از دیدگاه دستور نقش و ارجاع..... | ۲۱ |
| ۳-۲ مطالعات در زبان فارسی..... | ۲۳ |
| ۴-۲ خلاصه..... | ۲۸ |

فصل سوم: مبانی نظری

| | |
|--|----|
| ۱-۳ مقدمه..... | ۳۰ |
| ۲-۳ رده‌شناسی نمایه‌سازی مفعول مستقیم..... | ۳۲ |
| ۳-۳ دستور نقش و ارجاع..... | ۴۳ |
| ۴-۳ بازنمایی نحوی ساخت لایه‌ای بند..... | ۴۵ |
| ۱-۴-۳ بازنمایی نحوی بند در زبان‌های هسته‌نشان و وابسته‌نشان..... | ۵۰ |

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| ۲-۴-۳ عملگرها..... | ۵۲ |
| ۵-۳ بازنمایی معنایی بند | ۵۴ |
| ۱-۵-۳ فرانش‌های معنایی..... | ۵۶ |
| ۶-۳ ساخت کاربردشناختی | ۵۹ |
| ۱-۶-۳ ساخت اطلاع | ۵۹ |
| ۲-۶-۳ وضعیت فعال‌سازی مصداق‌ها درگفتمان | ۶۳ |
| ۷-۳ خلاصه | ۶۷ |

فصل چهارم: تحلیل رده‌شناختی نمایه‌سازی مفعول مستقیم

| | |
|--|-----|
| ۱-۴ مقدمه..... | ۶۹ |
| ۲-۴ سلسله‌مراتب مؤثر در نمایه‌سازی مفعول مستقیم..... | ۶۹ |
| ۱-۲-۴ سلسله‌مراتب جان‌داری | ۷۰ |
| ۲-۲-۴ سلسله‌مراتب شخص | ۷۳ |
| ۳-۲-۴ سلسله‌مراتب ارجاعیت | ۷۵ |
| ۴-۲-۴ سلسله‌مراتب شمار | ۷۷ |
| ۵-۲-۴ سلسله‌مراتب معرفگی | ۷۹ |
| ۶-۲-۴ سلسله‌مراتب مبتدایی | ۸۵ |
| ۳-۴ بحث و بررسی | ۹۰ |
| ۴-۴ خلاصه | ۱۰۸ |

فصل پنجم: تحلیل دستوری نمایه‌سازی مفعول مستقیم

| | |
|--|-----|
| ۱-۵ مقدمه..... | ۱۰۹ |
| ۲-۵ رده‌شناسی بند متعدی در زبان فارسی | ۱۰۹ |
| ۲-۵ ماهیت دستوری عناصر نمایه مفعول مستقیم..... | ۱۱۱ |
| ۳-۵ بازنمایی ساخت لایه‌ای بندهای متعدی دارای عناصر نمایه مفعول مستقیم..... | ۱۱۷ |
| ۴-۵ رابطه ساخت اطلاع و ترتیب واژگانی عناصر در بند متعدی..... | ۱۲۲ |
| ۵-۵ خلاصه | ۱۳۰ |

فصل ششم : نتیجه گیری

| | |
|----------|------------------------------------|
| ۱۳۱..... | ۱-۶ نتیجه..... |
| ۱۳۶..... | ۲-۶ موضوعاتی برای پژوهش بیشتر..... |
| ۱۳۷..... | ضمیمه ۱..... |
| ۱۶۲..... | ضمیمه ۲..... |
| ۱۷۸..... | ضمیمه ۳..... |
| ۱۷۹..... | واژه‌نامه فارسی به انگلیسی..... |
| ۱۸۴..... | واژه‌نامه انگلیسی به فارسی..... |
| ۱۸۹..... | منابع..... |

فهرست شکل‌ها

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| شکل ۱-۲ جایگاه اصلی زایش نمایه‌ها براساس اسپورتیش (۱۹۹۶) و اوریاگرکا (۱۹۹۵)..... | ۲۰ |
| شکل ۲-۲ ساخت درونی گروه اسمی مفعول مستقیم نمایه‌سازی شده برگرفته از بلیم | ۲۱ |
| شکل ۳-۲ ساخت لایه‌ای بندهای دارای نمایه‌ی مفعولی در زبان اسپانیایی برگرفته از بلورو | ۲۳ |
| شکل ۱-۳ سازمان‌دهی دستور نقش و ارجاع برگرفته از ون‌ولین | ۴۵ |
| شکل ۲-۳ ساخت لایه‌ای بند در زبان انگلیسی | ۴۷ |
| شکل ۳-۳ ساخت لایه‌ای بند در زبان فارسی | ۴۷ |
| شکل ۴-۳ ساخت لایه‌ای بند در زبان انگلیسی برگرفته از ون‌ولین | ۴۸ |
| شکل ۵-۳ ساخت لایه‌ای بند برای زبان‌های هسته‌نشان و وابسته‌نشان برگرفته از ون‌ولین | ۵۱ |
| شکل ۶-۳ فرافکن‌های سازه و عملگر در ساخت لایه‌ای بند برگرفته از ون‌ولین | ۵۳ |
| شکل ۷-۳ سلسله مراتب اثرگذار- اثرپذیر برگرفته از ون‌ولین | ۵۶ |
| شکل ۸-۳ پیوستار نقش‌های معنایی از نظر ساخت منطقی موضوع‌ها برگرفته از پیوی | ۵۷ |
| شکل ۹-۳ سلسله مراتب گزینش موضوع نحوی ترجیحی برگرفته از پیوی | ۵۸ |
| شکل ۱۰-۳ وضعیت شناختی مصداق‌های گفتمان برگرفته از ون‌ولین و لاپولا | ۶۶ |
| شکل ۱۱-۳ رابطه نقش کاربردشناختی و صورت رمزگذاری برگرفته از ون‌ولین و لاپولا | ۶۶ |
| شکل ۱۲-۳ سلسله مراتب پذیرش نقش مبتدایی برگرفته از لمبرکت | ۶۷ |
| شکل ۱-۴ نقش سلسله‌مراتب جان‌داری بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۲ |
| شکل ۲-۴ نقش سلسله‌مراتب جان‌داری بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۲ |
| شکل ۳-۴ تأثیر شخص بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۴ |
| شکل ۴-۴ تأثیر شخص بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۵ |
| شکل ۵-۴ تأثیر ارجاعیت بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۶ |
| شکل ۶-۴ تأثیر ارجاعیت بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۷ |
| شکل ۷-۴ تأثیر شمار بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۸ |
| شکل ۸-۴ تأثیر شمار بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۷۸ |
| شکل ۹-۴ تأثیر معرفگی بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۸۴ |
| شکل ۱۰-۴ تأثیر معرفگی بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۸۵ |
| شکل ۱۱-۴ تأثیر ساخت کانونی بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی | ۸۹ |

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| شکل ۴-۱۲ تأثیر ساخت کانونی بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی..... | ۹۰ |
| شکل ۴-۱۳ بسامد وقوع شخص در جایگاه مفعول مستقیم در پیکره زبان فارسی..... | ۹۱ |
| شکل ۴-۱۴ بسامد وقوع شخص در جایگاه مفعول مستقیم در پیکره زبان فارسی..... | ۹۲ |
| شکل ۴-۱۵ بسامد وقوع شمار در جایگاه مفعول مستقیم در پیکره زبان فارسی..... | ۹۲ |
| شکل ۴-۱۶ بسامد وقوع شمار در جایگاه مفعول مستقیم در پیکره زبان فارسی..... | ۹۳ |
| شکل ۵-۱ ساخت لایه‌ای بند در زبان فارسی برگرفته از رابرتس..... | ۱۱۸ |
| شکل ۵-۲ ساخت لایه‌ای بند متعدی در زبان اسپانیایی برگرفته از بلورو..... | ۱۱۹ |
| شکل ۵-۳ ساخت لایه‌ای بندهای متعدی در زبان فارسی..... | ۱۲۱ |
| شکل ۵-۴ تعامل نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی در شکل‌گیری بند متعدی در زبان فارسی..... | ۱۲۹ |

فهرست جدول‌ها

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| جدول ۱-۳ واحدهای معنایی زیربنای واحدهای نحوی ساخت لایه‌ای بند برگرفته از ون‌ولین..... | ۴۶ |
| جدول ۲-۳ بازنمایی واژگانی طبقه افعال براساس نوع عمل برگرفته از ون‌ولین..... | ۵۵ |
| جدول ۱-۴ نتایج سلسله‌مراتب جان‌داری..... | ۷۱ |
| جدول ۲-۴ نتایج سلسله‌مراتب شخص..... | ۷۴ |
| جدول ۳-۴ نتایج سلسله‌مراتب ارجاعیت..... | ۷۶ |
| جدول ۴-۴ نتایج سلسله‌مراتب شمار..... | ۷۸ |
| جدول ۵-۴ نتایج سلسله‌مراتب معرفگی..... | ۸۴ |
| جدول ۶-۴ نتایج سلسله‌مراتب مبتدایی..... | ۸۹ |
| جدول ۷-۴ بسامد وقوع مفعول مستقیم از نظر شخص در پیکره زبان فارسی..... | ۹۱ |
| جدول ۸-۴ بسامد وقوع مفعول مستقیم مفرد و جمع در پیکره زبان فارسی..... | ۹۲ |
| جدول ۱-۵ رفتارهای نحوی واژه‌بستی عناصر نمایه مفعولی در زبان فارسی..... | ۱۱۷ |
| جدول ۲-۵ رفتارهای نحوی نشان مطابقه عناصر نمایه مفعولی در زبان فارسی..... | ۱۱۷ |
| جدول ۳-۵ ترتیب سازه‌ها در انواع کانون برگرفته از رضایی و طیب..... | ۱۲۴ |
| جدول ۴-۵ امکانات جایگاه گروه اسمی مفعول مستقیم در زبان فارسی برگرفته از رابرتس..... | ۱۲۴ |

کوتاه‌نوشت‌ها

| | | |
|------|-------------------------|-----------------------|
| A | actor | اثرگذار |
| ACC | accusative case | حالت مفعولی |
| AGR | agreement | مطابقه |
| AGX | agreement node | گره مطابقه |
| ANIM | animate | جان‌دار |
| ARG | argument | موضوع |
| ASP | aspect | نمود |
| DO | direct object | مفعول مستقیم |
| EZ | ezâfe | کسره اضافه |
| FS | feminine singular | مفرد مؤنث |
| IND | index | نمایه |
| INDX | index node | گره نمایه |
| INGR | ingressive | لحظه‌ای |
| LDP | left detached position | جایگاه جداشده از چپ |
| MOD | modality | وجهیت |
| NP | noun phrase | گروه اسمی |
| NUC | nucleus | هسته |
| OM | object marker | نشان مفعولی |
| PAST | past tense | زمان گذشته |
| PC | pronominal clitic | ضمیر واژه‌بستی |
| PL | plural | جمع |
| PoCS | post core slot | جایگاه پس از مرکز |
| PrCS | pre core slot | جایگاه پیش از مرکز |
| PRED | predicate | محمول |
| PRO | pronoun | ضمیر |
| PRS | present tense | زمان حال |
| RDP | right detached position | جایگاه جداشده از راست |
| SEML | semelfactive | تک‌وقوعی |
| SG | singular | مفرد |

| | | |
|-----|-----------|-------------|
| TNS | tense | زمان دستوری |
| U | undergoer | اثرپذیر |
| V | verb | فعل |

فصل اول

مقدمه

۱-۱ معرفی موضوع پژوهش

نمایه‌سازی مفعول^۱ اشاره به پدیده‌ای دارد که همزمان با حضور گروه اسمی آشکار مفعول در بند، نمایه‌ای هم مرجع با آن بر روی فعل قرار می‌گیرد (سیویرسکا^۲؛ ۲۰۰۴). در زبان فارسی علاوه بر برقراری مطابقت بین فاعل و فعل، در برخی ساخت‌های متعدی، در کنار عنصر مطابقت فاعلی، نمایه‌ای به فعل ملحق می‌شود که با عنصر مفعول هم مرجع است. مثال زیر به روشن شدن بحث کمک می‌نماید:

۱- من کتابِ خواندمش.

در مثال فوق پس از شناسه فاعلی - م که نقش برقراری مطابقت بین فاعل و فعل را بر عهده دارد، نمایه مفعولی - ش به دنبال عنصر شناسه قرار گرفته که به گروه اسمی مفعول (کتاب) برمی‌گردد. این پدیده خاص که موجب قرار گرفتن نمایه مفعولی هم مرجع با گروه اسمی مفعول آشکار در یک بند می‌شود، کانون بررسی و مطالعه این پژوهش است. جالب آن است که این وضعیت در زبان فارسی پدیده نوظهوری نبوده و سابقه تاریخی دارد. با وجودی که امروزه نمایه‌سازی مفعول بیشتر در گونه گفتاری فارسی مرسوم است، اما شواهد تاریخی از وجود آن در متون نوشتاری نیز حکایت دارد. در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود.

1 . object indexation
2 . Siwierska

۲- او را فرود آوریدش تا بیاساید. (تاریخ برامکه به نقل از خانلری ۱۳۶۵: ۱۹۴)

۳- به خواری تو را روزبانان شاه سر و تن برهنه برندت به راه (شاهنامه نسخه مسکو: ص ۳۴۵)

۴- به آب دیده شستند آن چمن را سرشتندش به دل برگ سمن را (زلالی خوانساری به نقل از شفیعون ۱۳۸۷: ۲۲۳)

نام‌های متفاوتی بر عناصر نمایه مفعولی در زبان‌ها نهاده‌اند. از آن جمله می‌توان به نشان مطابقت مفعولی (دین^۱ ۲۰۰۶؛ وولفورد^۲ ۱۹۹۹، ۱۹۹۵، ۲۰۰۱)، نشانگر ضمیری مفعولی (کریسلز^۳ ۲۰۰۵) و واژه‌بست مضاعف (بلورو ۲۰۰۷؛ آناگنوستوپولو^۴ ۲۰۰۳) اشاره کرد، که در هر یک بنا به ماهیت دستوری خاصی که برای این عناصر در آن زبان قائل شده‌اند، نامی متناسب را برگزیده‌اند. چنان‌که از مثال (۱) برمی‌آید، نمایه‌های مفعولی از بسیاری جهات به روابط مطابقت بین فعل و موضوع‌های آن شباهت دارند؛ زیرا به بیان فوس^۵ (۲۰۰۵: ۱۳۲) در هر دو، یک گروه اسمی و یک عنصر وابسته وجود دارد که ویژگی‌های دستوری (شخص، شمار، جنس) یکسانی دارند و تمیز آن‌ها از یکدیگر کار آسانی نیست. از طرفی از برخی جهات دیگر نظیر حضور اختیاری در بند به نظر می‌رسد که وارد نظام صرفی برخی زبان‌ها نشده و بنابراین ضمیرهای واژه‌بستی تلقی می‌شوند. در این پژوهش به پیروی از کرافت^۶ (۲۰۰۳) و گرین‌برگ^۷ (۱۹۶۶) و به منظور پیش‌داوری نکردن در مورد مقوله دستوری این عناصر از اصطلاح خنثی‌تر نمایه مفعولی استفاده می‌شود. در فصل پنجم با بررسی معیارها و رفتارهای نحوی نمایه‌های مفعولی در زبان فارسی در مورد مقوله دستوری آن‌ها بحث خواهیم کرد.

نکته حائز اهمیت در رابطه با نمایه‌سازی مفعول در زبان فارسی اختیاری بودن آن است. اما این بدان معنا نیست که همه گروه‌های اسمی مفعول در نمایه‌سازی آزادند؛ بلکه به نظر می‌رسد عوامل کلامی نظیر معرفگی، مشخص‌بودگی و ساخت اطلاع گروه اسمی مفعول در نمایه‌سازی آن تأثیرگذار باشند. به عنوان مثال گروه‌های اسمی نکره نمی‌توانند نمایه مفعولی بپذیرند. مثال‌های زیر به نقل از راسخ‌مهند (۱۳۸۹) گویای این مطلبند.

۵- * چی خریدیش؟

۶- * من پسر را دیدمش.

۷- * من هیچ کس را ندیدمش.

به بیان راسخ‌مهند مثال (۵) به دلیل هم‌آیی نمایه با مفعول پرسش‌واژه‌ای و مثال‌های (۶) و (۷) بنا به نکره بودن گروه اسمی مفعول غیردستوری هستند. دبیر مقدم (۱۹۹۲) و کریمی (۲۰۰۳) اشاره می‌کنند که «را» به همراه مفعول‌های مستقیم مشخص یا معرفه به کار می‌رود و بنابراین حضور «را» می‌تواند مشخص و معرفه بودن مفعول را

1 . Deen

2 . Woolford

3. Creissels

4 . Anagnostopoulou

5 . Fuß

6 . Croft

7 . Greenberg

نشان دهد. بنا به این استدلال عدم هم آیی «را» با پرسش‌واژه مفعولی در مثال (۵) می‌تواند به دلیل نکره بودن گروه اسمی مفعول بوده و چون زبان فارسی نمایه‌سازی مفعول نکره را مجاز نمی‌داند، ساخت مورد اشاره غیردستوری است. از طرف دیگر در هر دو مثال (۶) و (۷) گروه اسمی مفعول نکره با «را» همراه شده و نشان می‌دهد که «را» الزاماً و همواره بر روی مفعول معرفی واقع نمی‌شود. گنجوی (۲۰۰۷: ۱۸۸) در این راستا بیان می‌کند که همه مفعول‌های مستقیم دارای «را» توانایی مضاعف شدن ندارند. او به مثال‌هایی اشاره می‌کند که نمایه‌سازی مفعول برای اسامی خاص، ضمائر، عبارات توصیفی معرفی و گروه اسمی معرفی مجاز است. گنجوی در ادامه می‌افزاید مضاعف شدن مفعول در مواردی از این دست، مشروط به آن است که مفعول مستقیم جان‌دار باشد.

یکی از حوزه‌هایی که امکان چنین مطالعه‌ای را در اختیار قرار می‌دهد، بررسی سلسله مراتب رده شناختی و مطالعه گرایش‌های زبان فارسی برای استفاده از نمایه مفعول مستقیم در موارد مختلف است. در این پژوهش به بررسی عواملی خواهیم پرداخت که در مطالعات پیشین در قالب سلسله‌مراتب خاصی ارائه شده و تأثیر آن‌ها بر نمایه‌سازی مفعول در برخی زبان‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. پس از ارزیابی شواهد زبان فارسی در چارچوب هر یک از سلسله‌مراتب و تعیین وضعیت هر کدام از نظر پیروی یا نقض آن‌ها، در نهایت به تبیین این پدیده دستوری در زبان فارسی خواهیم پرداخت، به نحوی که همه موارد نمایه‌سازی مفعول مستقیم در این زبان را تبیین نماید.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در رابطه با ساخت‌های دارای نمایه مفعولی، نقش و مقوله دستوری نمایه‌ها در بند است. این واقعیت که به نظر می‌رسد نمایه‌ها قادرند، ظرفیت فعل را ارضا کنند باعث می‌شود که به عنوان موضوع فعل تلقی شوند. این رویکردی است که در سنت زایشی توسط کین^۱ (۱۹۷۵) مطرح گردید. در این دیدگاه، نمایه‌ها به‌عنوان هسته‌های ضمیری تلقی شده که در جایگاه موضوع تولید می‌شوند و به دلیل ماهیت آوایی ضعیف خود به سمت فعل حرکت کرده و به آن متصل می‌شوند و از خود ردی به جا می‌گذارند که مانع از اشغال این جایگاه نحوی توسط یک عبارت هم مرجع با آن‌ها می‌شود. چنین تحلیلی در مورد اکثر زبان‌های شاخه رومیایی کارگر است، چرا که در این زبان‌ها نمایه‌ها و عبارات واژگانی هم مرجع درون یک بند در توزیع تکمیلی هستند و به گفته بلورو^۲ (۲۰۰۷: ۷) در زبان فرانسوی تنها در صورتی گروه اسمی مفعول همزمان با نمایه هم مرجع با آن در یک جمله ظاهر می‌شود که گروه اسمی آزاد در جایگاه جدا شده^۳ و خارج از بند قرار گیرد. بارزترین مشخصه جایگاه گسسته، شکست آهنگ است. این در حالی است که در زبان فارسی امکان حضور همزمان هر دو عنصر بدون شکست آهنگ وجود دارد و بنابراین مدرکی دال بر جابجایی گروه اسمی آزاد مشاهده نمی‌شود. مضاف بر این، در موارد زیادی گروه اسمی مفعول در جایگاه اصلی خود و پس از فاعل قرار

1 . Kayne

2 . Belloro

3 . detached

می‌گیرد. مثال‌های پیشین همگی چنین هستند. با عنایت به مباحث فوق و نگرش صرفاً صوری دستور زایشی به پدیده‌های زبانی هدف این پژوهش بررسی ساخت‌های دارای نمایه مفعولی در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش و ارجاع است. به منظور تحلیل ساخت لایه‌ای بندهای دارای نمایه مفعولی در چارچوب دستور نقش و ارجاع به بررسی مقوله دستوری نمایه‌ها نیز خواهیم پرداخت.

دستور نقش و ارجاع یک نظریه نقشی - ساختاری است که توسط ون‌ولین^۱ (۱۹۹۳، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) و ون‌ولین و لاپولا^۲ (۱۹۹۷) معرفی گردید. یکی از ویژگی‌های مهم این نگرش این است که صورت‌های صرفی - نحوی^۳ نمی‌توانند بدون رجوع به کاربردشان در بافت خاص مورد تحلیل قرار گیرند. دو اصل کلی در دستور نقش و ارجاع اساس تبیین ساخت بندها را تشکیل می‌دهند. به گفته ون‌ولین (۲۰۰۵: ۳) اصل اول بیان می‌کند که ویژگی‌های جهانی ساخت بند باید بدون تحمیل مقولات بر زبان‌ها به دست آید و اصل دوم بر این اساس است که ساخت‌های مشابه زبان‌های مختلف باید به شیوه‌های مشابهی تبیین شوند. بنابراین هدف دستور نقش و ارجاع کشف جنبه‌هایی از ساخت بند است که در همه زبان‌های بشری یافت می‌شود و به این ترتیب نمود ثابتی برای ساخت‌های مشابه فراهم می‌آورد، بدون آن که مقولات خاص یک زبان را بر زبان‌های دیگر تحمیل نماید. همچنین ساخت بند ونحوه ارائه آن براساس صورت واقعی هر جمله است و به وجود سطوح انتزاعی در نمودهای نحوی قائل نیست. بنابراین ساخت‌های نحوی را به صورت عینی و ملموس مورد تجزیه قرار می‌دهد. زیرا رویکردی را برگزیده است که در تبیین پدیده‌های دستوری به جنبه‌های کاربردشناختی و کلامی ساخت‌های نحوی توجه دارد و برخلاف رویکرد زایشی، در یافتن جهانی‌های زبانی به دنبال کشف گرایش‌های رده‌شناختی در بروز پدیده‌های دستوری در بین زبان‌هاست. بنا به این دلایل به نظر می‌رسد چارچوب مناسبی برای بررسی پدیده نمایه‌سازی مفعول در زبان فارسی باشد چراکه ارتباط آن با رده‌شناسی با اهداف این پژوهش همسویی داشته و به دلیل ماهیت نقشگرا برخلاف نظریات صورتگرا کارایی لازم برای تبیین جنبه‌های کلامی و کاربردشناختی ساخت‌های مورد نظر را داراست.

۱-۲ اهداف پژوهش

اهداف کلی این پژوهش عبارتند از بررسی عوامل تأثیرگذار بر نمایه‌سازی مفعول مستقیم در زبان فارسی که در قالب سلسله‌مراتب رده‌شناختی در سایر زبان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و نقش آن‌ها در وقوع این ساخت‌ها به اثبات رسیده است. همچنین آشکار ساختن ماهیت دستوری عناصر نمایه مفعولی به عنوان واژه‌بست یا نشان

1 . Van Valin
2 . La Polla
3 . morphosyntactic